

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۰/۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۲/۲۵

فصل نامه علمی - پژوهشی مشرق موعود

سال دوازدهم، شماره ۴۵/۱، بهار ۱۳۹۷

علل و زمینه‌های پذیرش ولادت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه از سوی عده‌ای از دانشمندان اهل سنت

سیدعلی حسینی^۱

چکیده

آموزه مهدویت از آموزه‌های اصیل اسلامی است که تقریباً مورد اتفاق شیعه و سنی است. علیرغم اتفاق نظر در اصل این آموزه، عده زیادی از علمای اهل سنت باور به تولد آن حضرت ندارند و تولد آن حضرت را موکول به آخرالزمان کرده‌اند. اما تعداد زیادی از علمای اهل سنت باور به تولد آن حضرت دارند. این تحقیق با روش توصیفی - تحلیلی در صدد برآمد تا علل و زمینه‌های پذیرش تولد آن حضرت از سوی این دسته از علماء را بررسی کند. نتایج حاصله حکایت از آن دارد مذهب فقهی خاص (شافعی و حنفی)، گرایش به تصوف و عقل‌مداری از زمینه‌های اصلی پذیرش تولد حضرت، توسط علماء اهل سنت بوده است.

واژگان کلیدی

ولادت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه، اهل سنت، شافعی‌ها، حنفی‌ها، متصوفه.

۱. دانشیار موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته الله علیه قم (seyedali5@gmail.com).

مقدمه

مسئله «مهدی موعود» و این که وی از خاندان عصمت و طهارت و از فرزندان حضرت علی و فاطمه علیها السلام است، یکی از مسائل مهم و مشهور اسلامی است و سابقه ای بس طولانی دارد. این موضوع قبل از این که یک عقیده شیعی باشد، یک مسئله اصیل اسلامی است. تنها درباره اصل موضوع ظهور مصلح جهانی و حضرت مهدی علیه السلام ۶۵۷ حدیث از کتاب های اهل تسنن از قبیل صحیح بخاری، سنن ابن ماجه، سنن ابن داود، سنن ترمذی، منتخب کنز العمال، مسند احمد، ینابیع الموده، الصواعق المحرقة و غیره نقل شده است. (صافی گلپایگانی، بی تا: ۱۴۱) همین امر منجر به آن شد که تعدادی از علمای اهل سنت مدعی تواتر این احادیث شوند (العباد، ۱۳۸۲: ۱۱۳-۱۱۶). کتاب های زیادی از سوی علمای اهل سنت در این رابطه نگاشته شده است. در این رابطه حتی علمای وهابی چون شیخ عبدالعزیز بن عبدالله بن باز، شیخ عبدالعزیز بن صالح و شیخ عبدالمحسن العباد بر صحت این احادیث صحه گذاشته اند (العباد، ۱۳۸۲: ۱۶۳-۱۶۴).

براین اساس اصل مسئله مهدویت - برخلاف تعدادی انگشت شمار - مورد پذیرش عامه اهل سنت است. اختلافی که علماء این فرقه با شیعیان دارند در این مسئله است که عده ای از علمای اهل سنت، اگرچه قائل به اصل مهدویت هستند، اما معتقد به تولد امام مهدی علیه السلام نیستند و معتقدند آن بزرگوار در آخر الزمان به دنیا خواهد آمد. اما با این حال ما شاهد آن هستیم که در طول قرون متمادی عده زیادی از علماء و اندیشمندان اهل سنت قائل به تولد آن حضرت بودند. در این رابطه علاوه بر کتاب های عامی چون «کشف الاستار» محدث نوری و کتاب «استقصاء الافحام» علامه میر حامد حسین و کتاب «ینابیع الموده» شیخ سلیمان حنفی، تحقیقات و مقالات مستقلی چون کتاب «دانشمندان عامه و مهدی موعود» اثر علی دوانی منشر شده است. در این تحقیقات به نام بیش از ۱۰۰ عالم و دانشمند سنی در طول قرون متعدد همراه با ذکر اثر مربوطه اشاره شده که معتقد به تولد آن حضرت هستند.

این تحقیق درصدد تحلیل علل و زمینه های پذیرش تولد آن حضرت از سوی این سری از علماء اهل سنت است. به همین دلیل روش به کار گرفته شده در این تحقیق توصیفی - تحلیلی است. در این راستا با تفکیک این دانشمندان به تناسب قرون چهارم تا چهاردهم و تا حد امکان تعیین مذاهب فقهی هریک از آنها درصدد واکاوی زمینه های این پذیرش برآمده است.

تعداد معتقدان براساس تفکیک قرون

قرار گرفتن هر یک از این علماء در قرن خاص با توجه به اکثر عمر آنها در نظر گرفته شده است.

قرن چهارم

نام	کتاب	مذهب	تاریخ
ابوبکر محمد بن هارون رویانی	مسند	-	درگذشت ۳۰۷ ق
ابن ابی الثلج محمد بن احمد بغدادی	موالید و وفیات الائمة	حنفی	۲۳۸ - ۳۲۲
ابوالعباس احمد بن ابراهیم بن علی کندی	راوی کتاب موالید و وفیات الائمة	-	-
ابو علی احمد بن علی عمادی نسوی	راوی کتاب موالید و وفیات الائمة	-	۳۵۰
علی بن حسین مسعودی	مروج الذهب	-	درگذشت ۳۴۶
محمد بن احمد بن یوسف خوارزمی کاتب	مفاتیح العلوم	-	۳۸۷
حافظ ابو محمد بلاذری	راوی حدیث بلا واسطه از امام زمان در الفضل المبین دهلوی	-	درگذشت ۳۳۹
عتبة بن سعد ابن کنانه	روای حدیث بلاذری	-	-
احمد بن محمد فریابی	روای حدیث بلاذری	-	-
نصر بن علی الجهضمی	روای حدیث بلاذری	-	-

قرن پنجم

نام	کتاب	مذهب	تاریخ
حافظ ابو الفتح محمد بن احمد بن ابی الفوارس البغدادی	الاربعین	شافعی	۳۸۸ - ۴۱۲ ق
ابوبکر احمد بن حسین بیهقی خسرو جردی	شعب الایمان	شافعی	۴۵۸

قرن ششم

نام	کتاب	مذهب	تاریخ
ابن شادی	مجلد التواریخ و القصص	-	۵۲۰ به بعد
احمد بن ابی الحسن نامقی جامی	تاریخ الموالید الائمة و وفیاتهم	-	۵۳۶
ابن خشاب محمد بن عبدالله بن نصر بغدادی	-	حنبلی	۴۸۶ - ۵۶۸
یحیی بن سلامه خصکی	-	شافعی	۵۶۸
ابن ازرق عبدالله بن محمد فارقی	میا فارقین	-	درگذشت ۵۹۰
ابوالفرج جوزی عبدالرحمان بن علی ابوالفضائل جمال الدین بغدادی	-	حنبلی	درگذشت ۵۹۲

قرن هفتم

نام	نام کتاب	مذهب	تاریخ
خلیفه عباسی الناصر لدين الله	كشف الاستار	-	درگذشت ۶۲۲
شیخ فریدالدین عطار نیشابوری	مظهر الصفات	حنفی	درگذشت ۶۲۷
ابن اثیر جزری علی بن محمد شیبانی	الکامل فی التاریخ	شافعی	۵۵۵ - ۶۳۰
ابن عربی	البیواقیت و الجواهر	-	درگذشت ۶۳۸
شیخ سعدالدین محمد بن مؤید حموی	رساله مهدی منتظر	-	۶۱۸ - ۶۵۸
شیخ کمال الدین محمد بن طلحه	مطالب السؤل فی مناقب آل الرسول	شافعی	۵۸۲ - ۶۵۲
شمس الدین یوسف بن قراوغلی سبط بن الفرخ بن جوزی	تذکره الخواص	حنفی	درگذشت ۶۵۴
حافظ ابو عبدالله محمد بن یوسف کنجی	کفایة المطالب و البیان فی اخبار صاحب الزمان	شافعی	درگذشت ۶۵۸
جلال الدین بلخی رومی	مثنوی	حنفی	درگذشت ۶۷۲
شیخ صدرالدین قونوی	به نقل از ینابیع الموده	حنفی	درگذشت ۶۷۳
عبدالعزیز بن محمد نسفی صوفی	-	حنفی	درگذشت ۶۷۶
حکیم ادیب عامر بن بصری	ذات الانوار	-	درگذشت ۶۹۶
یوسف بن یحیی بن علی بن عبدالعزیز	عقد الدرر فی اخبار المنتظر و هو المهدی علیه السلام	شافعی	-
ابن خلکان	وفیات الاعیان	شافعی	درگذشت ۶۸۱

قرن هشتم

نام	کتاب	مذهب	تاریخ
حمدالله بن ابی بکر مستوفی قزوینی	تاریخ گزیده فارسی	-	درگذشت ۷۳۰
ابراهیم بن محمد بن مؤید جوینی	فوائد السمطین	شافعی	۶۴۴ - ۷۳۲
ابوالفداء عمادالدین اسماعیل بن علی	المختصر فی اخبار البشر	شافعی	درگذشت ۷۳۲
کمال عبدالرزاق بن احمد کاشانی	-	-	درگذشت ۷۳۰
علاء الدوله سمنانی	شواهد النبوة	شافعی	۶۵۹ - ۷۳۶
شمس الدین محمد ذهبی	تاریخ دول الاسلام	شافعی	۶۷۳ - ۷۴۸
زین الدین عمر بن مظفر بن ابی الفوارس	تتمة المختصر	شافعی	۶۹۱ - ۷۴۹
شمس الدین محمد بن یوسف زرنندی	معراج الوصول الی معرفة فضیلة الرسول	حنفی	۶۹۳ - ۷۴۸
صلاح الدین صفدی خلیل بن ابیک	رساله شرح دایره	شافعی	درگذشت ۷۶۴
محدث عبدالله بن محمد مطیری	الریاض الزاهرة فی فضائل آل البیت النجباء و عترته الطاهرة	شافعی	درگذشت ۷۶۵
سید علی بن شهاب بن محمد همدانی	مودة القربی و اهل العباء	-	۷۱۴ - ۷۸۶

قرن نهم

نام	کتاب	مذهب	تاریخ
محب الدین محمد شحنة حلبی	روضه المناظر فی اخبار الاوائل و الاواخر	حنفی	۷۴۹- ۸۱۵
خواجه پارسا	فصل الخطاب	حنفی	درگذشت ۸۲۲
احمد بن جلال الدین محمد فصیح خوافی	مجلد فصیحی	-	۷۷۷- ۸۴۵
شهاب الدین بن شمس الدین بن عمر هندی	هدایة السعداء فی مناقب السادات	-	درگذشت ۸۴۹
افضل الدین صدرالدین ترکه خجندی	تنقیح الدولة و العلل	-	درگذشت ۸۵۰
ابن صباغ نورالدین علی بن محمد	الفصول المهمة فی معرفة الائمة	مالکی	۷۳۴- ۸۵۵
شیخ عبدالرحمن البسطامی	درة المعارف	حنفی	درگذشت ۸۵۸
محمد بن عبدالله حسینی رفاعی	صحاح الاخبار فی نسب السادة الفاطمية الخیار	-	۷۹۳- ۸۸۵
عبدالرحمن بن احمد بن قوام الدین دشتی جامی	شواهد النبوة	حنفی	درگذشت ۸۹۸
محمد بن داود نسیمی	-	-	درگذشت ۹۰۱
میرخواند محمد بن خاوند شاه	روضه الصفاء	-	درگذشت ۹۰۳
احمد بن علی الحسینی ابن قبه	عمدة المطالب فی انساب آل ابی طالب	-	درگذشت ۸۲۸

قرن دهم

نام	کتاب	مذهب	تاریخ
فضل بن روزبهان خنجی شیرازی	ابطال الباطل	شافعی	درگذشت ۹۰۹
ملاحسین بن علی کاشفی بیهقی	روضه الشهداء	حنفی	درگذشت ۹۱۰
حسین بن معین الدین میبیدی یزدی	شرح دیوان منسوب به امیرالمؤمنین	شافعی	درگذشت ۹۱۰
جلال الدین محمد بن اسعد صدیقی	نورالهدایة فی اثبات الولاية	شافعی	درگذشت ۹۰۷
ابولحسن علی بن محمد شاذلی	-	مالکی	۸۵۷- ۹۳۹
شیخ حسن عراقی	به نقل از اللوائح الانوار فی طبقات الاخیار	-	درگذشت بعد ۹۸۵
شیخ علی خواص	به نقل از اللوائح الانوار فی طبقات الاخیار	-	۹۲۵- ۹۸۵
حسین بن محمد یاریکری	تاریخ الخمیس	مالکی	۹۲۵- ۹۶۶
عبدالوهاب بن احمد الشعرانی	البواقیت و الجواهر فی بیان عقائد الاکابر	شافعی	۸۹۸- ۹۷۳
شهاب الدین احمد بن حجر هیثمی	الصواعق المحرقة	شافعی	۹۰۹- ۹۷۴
جلال الدین عبدالرحمن السیوطی	احیاء المیت	شافعی	درگذشت ۹۱۰

درگذشت ۹۵۳	حنفی	الاثمة الاثنی عشر	شمس الدین محمد بن طولون دمشقی
درگذشت ۱۰۰۰	-	روضه الاحباب	عطاء الله بن سید غیاث الدین نیشابوری
درگذشت ۹۰۸	-	نور الهدایة فی اثبات الولاية	جلال الدین محمد دوانی
درگذشت ۹۴۲	-	حبیب السیر	خواند میر
درگذشت ۹۷۵	-	المرقات شرح المشکات	علی متقی هندی

قرن یازدهم

تاریخ	مذهب	کتاب	نام
۱۰۱۹-۹۳۹	-	اخبار الدول و آثار الاول	احمد بن یوسف دمشقی قرمانی
۱۰۳۱-۹۷۱	حنفی	مکتوبات	احمد بن عبدالاحد فاروقی هندی
نیمه اول سده یازدهم	-	به نقل از کشف الاستار	عارف بدیع الدین قطب مدار
-	-	مرآت الاسرار	عبدالرحمان صوفی
۱۰۵۲-۹۵۹	حنفی	-	عبدالحق بن سیف دهلوی بخاری
۱۰۸۹-۱۰۳۲	حبلی	شذرات الذهب	ابن عماد دمشقی
۱۱۱۱-۱۰۴۹	شافعی	سمط النجوم العوالی	عبدالملک بن حسین عصامی مکی

قرن دوازدهم

تاریخ	مذهب	کتاب	نام
درگذشت ۱۱۷۲	شافعی	الاتحاف بحب الاشراف	عبدالله بن محمد شبرای مصری
۱۱۷۳-۱۰۸۹	حنفی	فتح المنان	احمد بن علی بن عمر مانینی دمشقی
۱۱۷۶-۱۱۱۰	حنفی	المسلسلات	شاه ولی الله دهلوی
درگذشت ۱۲۰۶	شافعی	اسعاف الراغبین	شیخ محمد بن علی صبان مصری
درگذشت ۱۲۱۰	-	مکاشفات	علی اکبر بن اسدالله مودودی
درگذشت ۱۱۰۳	شافعی	الاشاعة فی اشراف الساعة	محمد بن عبدالرسول برزنجی

قرن سیزدهم

تاریخ	مذهب	کتاب	نام
۱۲۳۹-۱۱۵۹	حنفی	النزهة	شیخ عبدالعزیز بن شاه ولی الله دهلوی
۱۲۴۲-۱۱۹۰	شافعی	دیوان فارسی	خالد بن احمد بن حسین ابوالبهاء
درگذشت ۱۲۴۳	-	ایضاح لطافة المقال	رشیدالدین دهلوی هندی
درگذشت ۱۲۴۶	-	سبائك الذهب فی معرفة قبائل العرب	محمد امین سویدی بغدادی
۱۲۵۰-۱۱۸۸	حنفی	البراهی الساباطیة فیما یستقیم به	جواد بن ابراهیم بم محمد بن

سایاط	دعائم الملة المحمدية		
شیخ عبدالکریم یمانی	اسفار	-	درگذشت قبل ۱۲۹۱
سلیمان بن ابراهیم قندوزی	ینابیع المودة	-	۱۲۲۰- ۱۲۹۴
شیخ حسن عدوی حمزاوی مصری	مشارق الانوار فی فوز اهل الاعتبار	شافعی	---
محمود بن وهیب قراغلی بغدادی	جوهره الکلام	حنفی	
سیدعلی بن شهاب همدانی	به نقل از ینابیع المودة	-	-
سید نسیمی	به نقل از ینابیع المودة	-	-

قرن چهاردهم

نام	کتاب	مذهب	تاریخ
سیدمؤمن بن حسن شبلنجی مصری	نور الابصار فی مناقب آل بیت النبی المختار	شافعی	۱۲۵۲- ۱۳۰۸
محمود بن وهیب قراغولی بغدادی	جوهره الکلام	حنفی	-
قاضی بهلول بهجت افندی	محاکمه در تاریخ آل محمد	شافعی	درگذشت ۱۳۵۰
شیخ عبید الله امر تستری	ارجح المطالب فی عمدة مناقب اسدالله الغالب امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب	حنفی	معاصر
محمد شفیق غربال	دایرة المعارف	-	۱۳۱۱- ۱۳۸۱
خیرالدین زرکلی	الاعلام	-	۱۳۱۰- ۱۳۹۶
یونس احمد سامری	سامرا فی ادب القرن الثالث الهجری	-	-
ابوالبرکات نعمان بن محمود آلوسی	غالبية الواعظ	حنفی	درگذشت ۱۳۱۷
فرید وجدی	دایرة المعارف	-	
شیخ حسین ضمراوی مصری	مشارق الانوار فی فوز اهل الاعتبار	شافعی	درگذشت ۱۳۰۳
عبدالرحمن بن محمد بن حسن باعلوی	بقية المسترشدين	شافعی	-
شمس الدین سامی بیک عثمانی	قاموس الاعلام	-	درگذشت ۱۳۲۰
محمد مبین هندی	وسيلة النجاة		

شایان ذکر است که این استقصا به علت محدودیت های متعدد، کامل نیست مخصوصاً نسبت به قرن چهاردهم و بعد از آن.

نکات مهم

الف) همان طور که ملاحظه می شود در قرن چهارم - به عنوان اولین قرنی که در آن غیب کبری واقع شده است و معمولاً افرادی که در نیمه اول این قرن می زیستند نیمه دوم قرن سوم که زمان تولد حضرت در آن واقع شده است را نیز درک کرده اند - ۱۰ نفر از علمای اهل سنت تولد آن حضرت را تایید کردند. تعداد این نفرات قابل توجه است؛ چرا که نزدیک ترین زمان به عصر

تولد آن حضرت است و کثرت نفرات نشان از شایع بودن امر تولد آن حضرت در آن دوران دارد. به عنوان نمونه ابن ابی ثلج در کتاب «موالید الائمه» که به ضمیمه کتاب غیبت شیخ مفید و نوادر راوندی در سال ۱۳۷۰ هجری در نجف اشرف چاپ شده، روایت تولد آن حضرت و سخنان پدر بزرگوارشان در هنگام تولد آن حضرت را که فرمودند: «زعمت الظلمة انهم یقتلونی لیقطعوا هذا النسل کیف رأوا قدرة القادر» را نقل می‌کند. (موالید الائمه، بی تا: ۹)

ب) در قرن هفتم به بعد ما شاهد رشد چشم‌گیر تعداد قائلان به تولد آن حضرت هستیم که اوج آن در قرن دهم هجری قمری اتفاق افتاده است که ۱۶ نفر از علماء و اندیشمندان اهل سنت قائل به تولد آن حضرت شده‌اند.

ج) با بررسی مجموعه این بزرگان و با دست‌یابی به مذاهب فقهی خیلی از آنها، نتایج حاصله حکایت از آن دارد که مذهب شافعی با تعداد فراوانی ۳۳ نفر در مرتبه اول و در مرتبه دوم مذهب حنفی با تعداد ۲۳ نفر و مذاهب مالکی و حنبلی هر کدام ۳ نفر در مقام سوم قرار دارند.

د) از نکات بسیار قابل توجه، ادعای ملاقات با امام مهدی علیه السلام از سوی برخی از این علماء مثل حافظ ابومحمد بلاذری در قرن چهارم، شیخ حسن عراقی در قرن دهم است. مثلاً ابومحمد بلاذری حدیثی را مستقیماً از امام مهدی علیه السلام چنین نقل می‌کند:

خبر داد به من محمد بن الحسن بن علی المحجوب امام عصر خود از پدرش از جدش علی بن موسی الرضا ... از علی بن ابی طالب سید الاولیاء علیه السلام که فرمود خبر داد به من سید انبیاء محمد صلی الله علیه و آله که فرمود خبر داد به من جبرئیل سرور فرشتگان که گفت خداوند فرمود: انی انا الله لا اله الا انا من اقر بالتوحید دخل حصنی و من دخل حصنی امن من عذابی... (دوانی، ۱۳۸۴: ۸۰ - ۸۱).

قونوی در وصیت‌نامه خود می‌گوید:

اللهم الا من ادرك منهم الامام المهدي علیه السلام فلیبلغه سلامی و لیأخذ عنه ما یخبره به من المعارف لاغیر (قونوی، ۱۴۱۳: ۲۶).

ه) از نکات بسیار قابل تأمل این است که نویسندگان بسیار متعصب به تولد آن حضرت اذعان کرده‌اند. افرادی چون میرخواند محمد بن خاوندشاه که در تسنن تعصبی خاص دارد که حتی از معاویه هم تعریف فراوان دارد، اما او در کتاب «روضه الصفاء» - تاریخ فارسی - برای هریک از امان اهل بیت فصلی گشوده که از جمله فصلی تحت عنوان «ذکر احوال محمد بن الحسن بن علی رضی الله عنهم» است (خاوندشاه، ۱۳۸۰: ج ۵، ۲۱۲۶-۲۱۲۲).

همچنین فضل بن روزبهان که در تعصب مشهور است و کتاب «ابطال الباطل» را در کتاب «کشف الحق» علامه حلی نگاشته و معتقدات شیعه را با تعصبی خاص رد می‌کند. این چنین شخصی شعری به عربی می‌سراید و در آن به تک‌تک امامان اهل بیت علیهم‌السلام از جمله امام زمان علیه‌السلام عرض ارادت می‌کند.

شخصیت دیگر ابن حجر هیثمی مکی متوفای ۹۷۳ ق است که از دانشمندان متعصب اهل سنت و مؤلف کتاب «الصواعق المحرقة» در رد معتقدات شیعه است. شیخ علی اکبر بن اسدالله بن امرالله مودودی متوفای ۱۲۱۰ است که از علمای مشهور و متعصب هند است.

شیخ عبدالعزیز دهلوی نویسنده کتاب «تحفه اثنا عشریه» در رد شیعه، از دیگر علمای متعصبی است که به این امر اذعان کرده است.

و در زمره قائلان به ولادت حضرت، خلیفه عباسی الناصر لدین الله (متوفای ۶۲۲) است. او در سال ۶۰۶ دستوری مبنی بر بازسازی سرداب حضرت در سامراء صادر کردند و دستور دادند که میان صفه و سرداب دری از چوب ساج بسیار عالی بگذارند. بر روی این در نوشته شده است:

بسم الله الرحمن الرحيم قل لا اسئلكم عليه اجرا الا المودة في القربى ومن يقترب حسنة نزدله فيها حسنا ان الله غفور شكور. هذا ما امره بعمله سيدنا و مولانا الامام المفترض الطاعة على جميع الانام ابوالعباس احمد بن الناصر لدین الله امير المؤمنين و خلیفة رب العالمين ... (محدث نوری، کشف الاستار، ۴۳).

این امر نشان از آن دارد که امر تولد امام مهدی علیه‌السلام در قرن هفتم و همچنین این که آن حضرت در خانه پدری اش غیبت نمود، امری بسیار شایع بود؛ در غیر این صورت بعید می‌نماید که خلیفه عباسی دستور به تعمیر آن بدهند. اگر تمام یا اکثر علمای معاصر این خلیفه در انکار وجود امام زمان و تولدش متفق می‌بودند، بر حسب عادت دشوار بلکه محال بود او اقدام به چنین کاری کند (دوانی، ۱۳۸۴: ۱۰۰-۱۰۱).

ز یکی از نکات قابل توجه آن است که از آغاز قرن ششم مخصوصاً از قرن هفتم به بعد ما شاهد آن هستیم که بسیاری از بزرگان متصوفه، با صراحت و تاکید به مسئله ولادت آن حضرت پرداختند، صوفیانی چون احمد جامی، ابن عربی، صدرالدین قونوی، شیخ سعدالدین حمویه، جلال‌الدین رومی، علاءالدوله سمنانی، خواجه پارسا، احمد بن عبدالاحد فاروقی سرهندی نقش‌بندی، بدیع‌الدین قطب‌مدار و غیره. از جمله این افراد هستند.

با توجه به جایگاه این بزرگان متصوفه و اعتقاد آنها به ولادت آن حضرت، به طور طبیعی باید باور به تولد آن حضرت در میان گروه‌های مختلف متصوفه و پیروان آنها گسترش داشته باشد.

علل و زمینه‌های پذیرش توسط شافعی‌ها و حنفی‌ها

در سطور قبل بیان شد که از میان مذاهب فقهی اهل سنت علماء مذهب شافعی و حنفی بیشتر به تولد حضرت اعتقاد دارند. سؤالی که به طور طبیعی به ذهن می‌رسد این است که چرا دانشمندان این دو مذهب بیشتر از دیگر مذاهب به تولد حضرت باور دارند. چه زمینه‌هایی در پذیرش این امر نقشه داشته است؟

در پاسخ به این پرسش، علل و زمینه‌های مختلفی می‌تواند مطرح شود که به بعضی از مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود.

۱. دیدگاه مثبت امام شافعی و امام ابوحنیفه نسبت به اهل بیت عصمت و طهارت و شیعیان یکی از زمینه بسیار مهم در پذیرش تولد حضرت توسط دانشمندان این دو مذهب، لطف و ارادت آنها به حضرات معصومین از جمله امام عصر سلام الله علیه است و این ارادت و محبت برآمده از دیدگاه مثبت بنیان‌گذاران این دو مذهب به حضرات معصومین است. برای اثبات این لازم است کمی نسبت به دیدگاه امام شافعی و امام ابوحنیفه نسبت به ائمه اهل بیت علیهم‌السلام مطالبی بیان شود.

الف) امام شافعی (محمد بن ادریس شافعی ۱۵۰ - ۲۰۴ ق)

در محبت و ارادت ویژه امام شافعی به امام علی علیه‌السلام و اهل بیت عصمت و طهارت جای شک و شبهه نیست. کلمات و اشعار او گویای دقیق این مسئله است.

شافعی درباره امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام گوید:

كان فيه اربع خصال لا تكون خصلة واحدة للانسان الا يحق له الايبالي باحد: انه كان زاهدا والزاهد لايبالي بالدنيا واهلها و كان عالما و العالم لايبالي باحد و كان شجاعا و الشجاع لايبالي باحد و كان شريفا و الشريف لايبالي باحد (ابوزهره، بی تا: ۱۲۵).

همچنین گوید:

پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را به علم قرآن اختصاص دادند و به ایشان فرمودند تا بین مردم قضاوت کند و فتواهای او را شخص پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم امضاء کردند (همان: ۱۴۵).

از جمله اشعار شافعی که در محبت به امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام دارد این چنین است:

قالوا: تَرَفُّضت قَلت: كَلَّا
 لکن تولیت غیر شک
 ان کان حب السولی رفضا
 ما الرفض دینی و اعتقادی
 خیر امام و خیر هادی
 فان رفضی السی العباد
 (شافعی، ۱۴۲۸: ۷۲).

در مورد دیگر گوید:

آل النبئی ذریعتی
 ارجو بهم اعطی غدا
 و هموا الیه و سلیتی
 بیئد الیمین صحتی
 (شافعی، ۱۴۲۸: ۵۹).

در مورد دیگر دارد:

یا آل بیت رسول الله حبکم
 یکفیکم من عظیم الفخر انکم
 فرض من الله فی القرآن انزله
 من لم یصل علیکم لا صلاة له
 (شافعی، ۱۴۲۸: ۱۱۵).

در رفتار امام شافعی با شیعیان نیز این امر کاملاً هویدا بود. مثلاً او ارتباط خوبی با علویان زیدی یمن داشت. او در سفری که به یمن رفته بود با یحیی بن عبدالله از بزرگان زیدیه یمن ارتباط برقرار کرد و در ادامه از قیام علویان زیدی یمن حمایت کرد که منجر به دستگیری وی شد و او را به نزد هارون الرشید فرستادند که با وساطت فقیه معروف حنفی محمد بن حسن شیبانی آزاد شد (بیهقی، ۱۳۹۰: ج ۱، ۱۰۴-۱۱۴؛ ابوزهره، بی تا: ۲۲-۲۳).

همچنین امام شافعی ارتباط خوبی با سیده نفسیه خاتون نوه امام حسن مجتبی علیه السلام در مصر داشت. سیده نفسیه دختر حسن بن زید بن حسن بن علی بن ابی طالب علیه السلام از زنان عابد، زاهد، محدث، نیکوکار و حافظ قرآن کریم و همسر اسحاق مؤتمن فرزند امام جعفر صادق علیه السلام بود. با سفری که این خانم به مصر داشت با استقبال مردم مواجهه شد و زمینه اقامت وی در آنجا فراهم شد و ایشان در مصر به تدریس قرآن و احکام شرعی و نقل حدیث می پرداخت.

محمد بن ادريس شافعی که در دهه سوم عمرش به مصر رفت با این زن بزرگوار رابطه خوبی برقرار کرد. هنگامی که او برای تدریس به مسجد فسطاط می رفت، در سرراهش در منزل این بانو توقف و از او اخذ حدیث می کرد.

نقل کرده اند که هر وقتی برای شافعی کسالتی روی می داد، یکی از اصحاب خود را نزد این بانو می فرستاد و طلب شفاء می کرد و هنوز قاصد برنگشته بود که او به برکت تأثیر نفس سیده نفسیه سلامت خویش را باز می یافت تا آن که در مرتبه آخر در بستر بیماری افتاد و به روش

سابق از او خواستار دعا شد، ولی نفیسه به خبر داد که اجلس فرا رسیده است، چون پیک مخصوص پیام را آورد، شافعی دانست که زمان مرگش فرا رسیده است و وصیت کرد نفیسه خاتون بروی نماز بخواند (زمانی، آزادی، ۱۳۹۴: ۳۳۲-۳۳۳).

زرکلی نقل می‌کند که جنازه شافعی را به خانه سیده نفیسه بردند و او بر جنای وی نماز گذارد. (الزرکلی، ۱۹۸۹: ج ۸، ۴۴)

این‌گونه رفتار امام شافعی به حسب معمول تأثیر بر پیروان او داشته و علمایی که بر مذهب او سیر می‌کردند همانند بزرگان شان به اهل بیت عصمت و طهارت محبت داشته و ادای احترام می‌کردند مثلاً مؤمن بن حسن شبلنجی شافعی کتابی دارد با عنوان «نورالابصار فی مناقب آل بیت النبی المختار» که در مقدمه آن انگیزه نگارش کتاب را چنین بیان می‌کند: «درد چشمی پیدا کردم و به زیارت سیده نفیسه دختر آقایم حسن رفتم و به او متوسل شدم... و نذر کردم اگر خدا من را شفاء داد کلماتی از بزرگان را درباره مناقب اهل بیت پیامبر ﷺ جمع‌آوری نمایم. مدتی نگذشت که شفا حاصل شد و تصمیم گرفتم به وعده‌ام وفا کنم، هر چند خود را اهل این کار نمی‌دانستم و بضاعتی نداشتم» (شبلنجی، بی تا: ۲).

از دیگر شواهد بر این تأثیرگذاری رونق و کثرت مناقب‌نگاری حضرت علی علیه السلام توسط علمای مذهب شافعی است. با مطالعه بسیاری از آثاری که در این رابطه نوشته شده است می‌توان به این انگیزه دست پیدا کرد که آن نویسندگان تلاش داشتند تا افکار عمومی را هدایت کنند و انحرافات که نسبت به جایگاه امیرالمؤمنین علیه السلام و اهل بیت علیهم السلام که بر اثر تبلیغات دستگاه حاکم و معاندین در بین عموم مردم ایجاد شده بود را اصلاح کنند. برای نمونه کتاب «الخصائص لعلی رضی الله عنه» اثر نسائی است. ذهبی درباره نسائی برای تألیف این کتاب چنین نقل می‌کند: «وزیر ابن حنزابه نقل می‌کند: از محمد بن موسی مأمونی رفیق و دوست نسائی شنیدم که می‌گفت: عده‌ای از مردم کتاب «الخصائص لعلی رضی الله عنه» نسائی را انکار می‌کردند و می‌گفتند: چطور شده است که وی نقل فضائل شیخان را ترک کرده است. من این مسئله را به نسائی منتقل کردم که ایشان در جواب گفتند: وقتی داخل دمشق شدم تعداد زیادی از مردم را منحرف از علی دیدم، به امید هدایت آنها توسط خداوند کتاب «الخصائص» را نوشتم. (ذهبی، ۱۴۱۴: ج ۱۴، ۱۲۹؛ سبکی، بی تا: ج ۳، ۱۶).

ابن کثیر نیز در مورد انگیزه تألیف نسائی می‌گوید:

وانه انما صتف الخصائص فی فضل علی و اهل البیت لانه رای اهل دمشق حین قدمها فی سنة ثنتين و ثلاثمائة عندهم نفرة من علی (ابن کثیر، ۱۴۱۳: ج ۱۱، ۱۴۱).

این ارادت و محبت تنها نسبت به امیرالمؤمنین نبود، بلکه شامل بقیه ائمه نیز شده است. علمای شافعی به زندگی نامه و احوال دوازده امام معصوم توجه ویژه داشتند. بسیاری از علمای شافعی در کتاب‌های خود صراحتاً اسامی دوازده امام شیعه را در قالب نثر یا به صورت شعر بیان کرده‌اند و برخی نیز به امید طلب شفاعت از ائمه، در مورد آنان زبان به مدح گشودند. برای نمونه تنها به دو مورد اشاره می‌شود:

ابوالفضل یحیی بن سلامه بن حسین حصکفی از علمای قرن ششم درباره ائمه معصومین شعر سروده است در بخش‌هایی از این شعر گوید:

وسائلی عن حب اهل البيت	هل أقر اعلانا به ام اجحد؟
هیهات ممزوج بلحمی و دمی	حبهم هو الهدی و الرشید
حیدره و الحسنان بعده	ثم علی و ابنه محمد
و جعفر الصادق و ابن جعفر	موسی و یتلوه علی السید
اغنی الرضا ثم ابنه محمد	ثم علی و ابنه المسدد
والحسن الثانی و یتلوه	محمد بن الحسن المفتقد
فانهم ائمتی و ساداتی	و ان لجانی معشر و فندوا
ائمة اکرم بهم ائمة	اسماؤهم مسرودة تطرد
هم حجج الله علی عباده	و هم الیه منهج و مقصد

(ابن کثیر، ۱۴۱۳: ج ۱۲، ۲۹۸).

ایشان همانند امام شافعی که در شعری که از او نقل کردیم می‌گوید نمی‌تواند محبت و فضائل اهل بیت را انکار کند. بر همین اساس به آنها عشق می‌ورزد و معتقد به غیبت امام مهدی علیه السلام می‌باشد. او در ادامه این چنین گوید:

فلا یظن رافضی انی وافقته او خارجی مفسد
 و الشافعی مذهبی مذهبه لانه فیقوله مؤید
 اتبعته فی الاصل و الفرع معا فلیتبعنی الطالب المرشد

(همان)

در این بیت اخیر شاعر به صراحت گوید که از امام شافعی در اصل و فرع تبعیت می‌کند. کمال الدین ابن طلحه شافعی انگیزه خود از تألیف کتاب «مطالب السؤل فی مناقب آل الرسول» که شرح حال دوازده امام شیعیان است چنین گوید: «در زمان جوانی کتابی در فضایل دوازده امام با عنوان «زبدة المقال فی فضائل الال» نوشته بودم که این کتاب انیس و مؤنس من بود و آن را در حالات مختلف مطالعه می‌کردم. کتاب یاد شده در حوادث ایام مفقود شد. در

همین ایام یکی از صالحان امام علی علیه السلام را در رؤیا دیده و از معارف قدسیه سؤال‌هایی از ایشان پرسیده بود و حضرت نیز با کلماتی پاسخ وی را داده بود. سائل گفته بود: ای امیرمؤمنان من به این کلمات آشنایی ندارم. امام علی علیه السلام نیز شرح و تفصیل آنها را به من حواله داده بودند. وقتی آن شخص رؤیای خود را به من گفت، من نیز امر حضرت را اطاعت کرده و به استخراج جواب پرسش‌ها پرداختم. پس از این که پاسخ آنها را فراهم کردم، بر خودم نوشتن این کتاب را لازم دانستم، تا بدین طریق از عنایت خاصه ایشان (جهت نیابت در پاسخگویی از طرف حضرت) قدردانی نموده باشم» (ابن طلحه، ۱۴۲۰: ج ۱، ۱۶ - ۱۷).

این مطالب کاملاً گویای سرایت رفتار امام شافعی به علمای پیرو مذهب او است. به همین دلیل پیروان او نسبت به اهل بیت عصمت و طهارت گشودگی خاص داشتند و درصدد نفی هر حقیقتی از آنها بر نمی‌آمدند و با بهانه‌جویی‌ها به کتمان حقایق در مورد اهل بیت علیهم السلام نمی‌پرداختند؛ و محبت به آن حضرات و اعتراف به کمالات آنها را منافی با باورها و اعتقادات خود نمی‌دیدند.

ب) امام ابوحنیفه (نعمان بن ثابت بن مرزبان زوطی ۸۰ - ۱۵۰ ق)

ابوحنیفه رابطه‌ای دوستانه و محبت‌آمیز با اهل بیت عصمت و طهارت داشت علاوه بر این که رابطه خوبی نیز با علویان برقرار کرده بود. برای اثبات این ادعاها لازم است به صورت بسیار مختصر به بعضی از نکات در این زمینه اشاره شود.

۱. ابوحنیفه شاگرد اهل بیت علیهم السلام

ابوحنیفه نزد امام باقر علیه السلام شاگردی کرده است و این امر مورد تایید شیعه و سنی واقع شده است (رجال طوسی، ۳۲۵؛ ابوزهرة، ۱۹۹۷: ۶۴ - ۶۵).

در منابع شیعه و سنی آمده است که ابوحنیفه بسیار تحت تأثیر شخصیت و مقام علمی امام صادق علیه السلام بود و از او حدیث نقل می‌کرد. و در این خصوص می‌گفت:

والله ما رأيت افة من جعفر بن محمد الصادق (ابوزهرة، ۱۹۹۷: ۶۵).

در مورد دیگر گفت:

اليس اعلم الناس اعلمهم باختلاف الناس (ابوزهرة، ۱۹۹۷: ۶۵ - ۶۶).

ابوزهرة می‌گوید:

علما امام جعفر صادق علیه السلام را از استادان ابوحنیفه شمرده‌اند؛ هرچند هر دو هم سن و سال بودند (ابوزهرة، ۱۹۹۷: ۷۳).

۲. اعتماد ابوحنیفه به روایات اهل بیت علیهم السلام

ابوحنیفه ضمن نقل روایت از ائمه اهل بیت علیهم السلام که در مسانید او قابل پی‌گیری است، به احادیث منقول ایشان به راحتی اعتماد می‌کرد و حتی در پی بررسی سلسله سندی آنها بر نمی‌آمد با این که او در این زمینه بسیار سخت‌گیر بود. شیخ مفید در امالی قضیه‌ای را نقل می‌کند که ابوحنیفه در خدمت امام صادق علیه السلام بود و حضرت بدون واسطه از رسول خدا حدیث نقل کرد و ابوحنیفه پذیرفت. بعد از جلسه عده‌ای به او اعتراض کردند که چرا بدون پرسش از طریق روایت، سخنان امام را پذیرفته است؟ ابوحنیفه در پاسخ گفت: از کسی که گوید قال رسول الله صلی الله علیه و آله چه بگویم (مفید، ۱۴۰۳: ۲۱-۲۲) یعنی کسی که به صورت مستقیم از پیامبر نقل می‌کند، احتیاج به سند ندارد. البته ایشان این مقام را برای هرکس قائل نبود. منظور این بود که جعفر بن محمد علیه السلام حسابش با دیگران متفاوت است.

۳. پذیرش مرجعیت علمی اهل بیت علیهم السلام

از برخی روایات منقول در منابع شیعی به دست می‌آید که ابوحنیفه مرجعیت علمی آنها را پذیرفته بود و در برابر سخنان آنها موضع نمی‌گرفت. (کلینی، ۱۴۲۹: ج ۱۴، ۱۹۸ و ۶۳۰) شیخ صدوق نقل می‌کند که ابوحنیفه می‌گفت: لولا جعفر بن محمد علیه السلام ما علم الناس مناسک حجه‌م. (ابن بابویه، ۱۴۱۳: ج ۲، ۵۱۹). البته حضور ابوحنیفه در درس امام باقر و امام صادق علیهم السلام می‌تواند گویای پذیرش مرجعیت علمی آن بزرگواران باشد.

۴. رابطه خوب ابوحنیفه با علویان

ابوحنیفه با حکومت امویان و سپس عباسیان مخالف بود. به همین دلیل با کسانی از خاندان اهل بیت و علویان که به مخالفت با امویان و عباسیان برمی‌خواستند همراهی و حمایت می‌کرد. مثلاً او یکی از حامیان جدی قیام زید بن علی بن الحسین علیه السلام بود. ابن بزازی در مناقب خود آورده که ابوحنیفه در مورد قیام زید بن علی گفته قیام او شبیه قیام جدش رسول خدا صلی الله علیه و آله در روز جنگ بدر است (ابوزهره، ۱۹۹۷: ۳۱). در رابطه با قیام نفس زکیه نیز ابوحنیفه فتوا به قیام داد (الخطیب البغدادی، ۱۳۴۹: ج ۱۳، ۳۸۵). در نهایت نیز ابوحنیفه جان خود را به علت حمایت از این قیام‌ها از دست داد (ابوزهره، ۱۹۹۷: ۴۷-۴۹).

به صورت طبیعی ارادت و رابطه این چنینی ابوحنیفه با ائمه اطهار علیهم السلام به پیروان ایشان نیز کشیده شود، مخصوصاً در شاخه کلامی و عدل‌گرایی پیروان او که بزرگان این شاخه حماد پسر ابوحنیفه، ابومطیع بلخی (قاضی بلخ)، مسلم بن بلخی و ابومقاتل بلخی هستند. این گروه عقل‌گرا در بسیاری از مباحث کلامی همانند مکتب تشیع می‌اندیشند و اختلاف آنها با

اعتقادات تشیع بسیار کم است.

۲. پذیرش حجیت عقل

عامل دوم در پذیرش تولد حضرت حجة بن الحسن العسکری علیه السلام که در حنفی‌های بیشتر مصداق دارد، پذیرش حجیت عقل است.

از نظر ابوحنیفه و در مکتب حنفی (برخلاف مذهب حنبلی و مالکی) عقل دارای جایگاه ویژه‌ای است و برای آن حجیت قائل‌اند. بر همین اساس تقریباً دوری از تعصبات کور و دوری از بهانه‌جویی‌های بی‌مورد از ویژگی‌های دانشمندان عقل‌گرا است و علمای حنفی نیز از این امر مستثنی نیستند. از این رو در مواجهه با حق و حقیقت از سنجه انصاف بیشتری برخوردار بوده‌اند و کمتر پی بهانه‌هایی چون طولانی شدن عمر حضرت و امثال آن هستند، و همین امر آنها را آماده برای پذیرش هر حقیقتی می‌کرد. از سوی دیگر براساس روایاتی که از رسول خدا در باره مهدویت و این که شخص مهدی از فرزندان امام علی و فاطمه علیها السلام است و حتی در بعضی روایات نام پدر آن حضرت نیز بیان شده بود، و با توجه به شواهد و قرائن موجود حنفی‌ها آمادگی بیشتری برای پذیرفتن این حقیقت (تولد حضرت) داشته‌اند.

شاهد بر تأثیر عقل‌گرایی حنفی در نزدیک شدن به اعتقادات تشیع را در مدرسه اعتزال بغداد می‌توان سراغ گرفت.

مدرسه اعتزال بغداد در مقابل مدرسه اعتزال بصره، در اواخر قرن دوم هجری در بغداد توسط بشر بن معتمر بنیان‌گذاری شد. این مدرسه از نظر فقهی حنفی است. مهم‌ترین ویژگی‌های این مدرسه اولاً: در تفضیل امیرالمؤمنین بر دیگران حتی خلفا است. ابن ابی الحدید که خود از پیروان این مدرسه است گوید: معتزله بغداد علی را افضل و اولی به امامت می‌دانند (ابن ابی الحدید، ۱۳۷۸: ج ۲، ۲۹۶). ابوالقاسم بلخی گوید: بشر بن معتمر از قدمای شیوخ ما به تفضیل علی بن ابی طالب قائل بود و می‌گفت: او شجاع‌ترین و سخی‌ترین مردم بود و این عقیده از بشر بن معتمر به همه بغدادیون و بعضی از بصریون سرایت کرد (ابن ابی الحدید، ۱۳۷۸: ج ۲، ۲۸۸-۲۸۹). ابوجعفر اسکافی که از معتزله بغداد است در راستایی اعتقاد به افضلیت امیرالمؤمنین کتابی مستقل در این رابطه با عنوان «المعیار و الموازنه» نگاشته است. او در این کتاب با استدلال‌های زیاد اثبات می‌کند که علت افضل ندانستن حضرت از سوی یک عده، حسد، کینه و حقد است.

ب) میل به تشیع یکی دیگر از ویژگی‌های معتزله بغداد است. میل به تشیع معتزله بغداد به

حدی بود که بشر بن معتمر بنیان گذار این مکتب به جرم تشیع زندانی شد. بدون شک بشر بن معتمر شیعه نبود، ولی به علت حمایت و دفاع از قیام علویان (همچون ابوحنیفه) در مقابل هارون الرشید او را به تشیع متهم کردند (سرگین، ۱۳۸۰: ج ۱، ۸۹۶).

بر همین اساس گاهی از مدرسه بغداد به عنوان «متشیعة المعتزلة» نام می‌برند تا از معتزله بصره متمایز شود. مثلا خیاط در کتاب خود، ابو جعفر اسکافی را «متشیعة المعتزلة» می‌شمارد. (ابوالحسین خیاط، بی تا: الانتصار، ۱۵۶).

عقل‌گرایی حنفی وقتی در قالب مکتب کلامی (معتزله بغداد) ظهور کرد با توجه به زمینه‌های حنفی که داشت به اعتقادات و باورهای شیعی نزدیک شد.

۳. محوریت عراق

عامل سوم که باز هم بیشتر اختصاص به حنفی‌ها دارد، این است که ابوحنیفه در عراق زندگی می‌کرد و مذهب او در عراق پایه‌گذاری شد و رشد کرد. از این رو عراق مرکز این مذهب تلقی می‌شود، اگرچه در بعضی از دوران‌ها بعضی از شهرهای دیگر در جهان اسلام مرکز حنفی‌ها به حساب آمد، اما تا مدت‌های مدید عراق به عنوان مسقط‌الراس ابوحنیفه و مرکز مذهب حنفی تلقی می‌شد. از سوی دیگر امام حسن عسکری علیه السلام در عراق زندگی می‌کردند و تولد حجة بن الحسن العسکری علیه السلام در همین کشور اتفاق افتاد. به حسب معمول آگاهی از این تولد توسط کسانی که در این سرزمین هستند و به اخبار و شواهد و قرائن بیشتری امکان دسترسی دارند، امری آسان خواهد بود. اما پذیرش این امر برای افراد و مذاهبی که در این منطقه حضور نداشتند، امری سخت تلقی می‌شود؛ مخصوصا اگر به دنبال بهانه‌جویی بوده و با معیار تعصب و دوری از خرد بخواهند گام بردارند.

علل و زمینه‌های پذیرش توسط متصوفه

از جمله یافته‌های این بررسی این است که از قرن هفتم به بعد بزرگان متصوفه از اهل سنت به صورت گسترده معتقد به تولد آن حضرت شدند. علل و زمینه‌های متعددی در شکل‌گیری این امر دخیل بودند که به مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود:

۱. پیرنگ شدن مسئله ولایت

اهمیت ولایت در تصوف تا به آن حد است که هجویری ولایت را اساس طریقت و سلوک می‌داند:

اعلم ان اصول التصوف و معرفة الله مبنية على الولاية و قد اثبتها كل المشايخ (هجويری، ۱۴۲۸: ۲۴۱).

در میان صوفیان مسئله ولایت به صورت جدی توسط حکیم ترمذی در قرن سوم مطرح شد. حکیم ترمذی از عارفان و محدثان است. مهم‌ترین دستاورد عرفانی او نظریه ولایت است. سخنان ترمذی در «سیره الاولیاء» و بعد از آن در «ختم الاولیاء» نقطه عطفی در این باب است.

علاوه بر این که او نخستین کسی است که از وجود خاتم اولیاء در آخرالزمان خبر داده و او را در میان اولیاء خاتم انبیاء سراغ گرفته است. (الترمذی، بی‌تا: ۳۴۴-۳۴۵ و ۴۲۲)

حکیم ترمذی در «کتاب ختم الاولیاء» سؤال‌هایی درباره ولایت مطرح کرده است. این سؤال‌ها مورد توجه نظریه پردازان بعدی تصوف قرار گرفته است، از جمله ابن عربی در کتاب «الجواب عما سأل عنه الترمذی الحکیم» به این سؤالات پاسخ داده است. البته ابن عربی در فتوحات هم به این سؤالات پرداخته است.

پرداختن به لزوم وجود ولی، پیر و قطب در هر زمانی توسط متصوفه، آنها را واداشته است که به دنبال تعیین مصداق آن باشند.

از سوی دیگر ما شاهد آن هستیم که صوفیان در صدد رساندن شجره یا خرقة خود به امام علی علیه السلام و بعضی دیگر از امامان اهل بیت علیهم السلام هستند، همین امر آنها را برای پذیرش امام عصر علیه السلام به عنوان ولی و خاتم الاولیاء بسیار آمده کرده است؛ که لازمه آن پذیرش تولد آن حضرت است.

۲. پذیرش مکتب حنفی

بسیاری از بزرگان متصوفه چون جلال‌الدین رومی، عطار نیشابوری، ملاحسین کاشفی، خواجه پارسا، فضل‌الله روزبهان خنجی، عبدالرحمان جامی که به تولد حضرت معتقدند از نظر فقهی حنفی هستند. با توجه به گرایش حنفیان به اهل بیت عصمت و طهارت و پذیرش تولد حضرت توسط تعداد زیادی از حنفیان، زمینه پذیرش در صوفیان حنفی هم بیشتر فراهم بود.

۳. گرایش به عقل و فلسفه

یکی از ویژگی‌های بسیار مهم متصوفه از قرن هفتم به بعد گرایش تصوف به عقل و فلسفه و مستندات قرآنی و حدیثی است. (الشیبی، کامل مصطفی، تشیع و تصوف ترجمه قراگزلو، ۹۰-)

۹۴) شاهد بارز این امر نگارش کتاب‌هایی چون فتوحات ابن عربی و فصوص الحکم و شرح‌های آنها است. این امر منجر به آن شد که متصوفه از افراط و تعصب‌ورزی دوری کنند و راه تعادل درپیش گیرند. همین امر، منجر به آمادگی بیشتر آنها برای پذیرش حقیقت شده است.

۴. سقوط خلافت عباسی

یکی دیگر از زمینه‌های پذیرش ولادت حضرت توسط صوفیان در این قرون، سقوط خلافت عباسی بغداد (۶۵۶ ق) بود.

با وجود خلافت اموی و عباسی متصوفه به دنبال ارائه نظریه سیاسی جدید برای اداره حکومت نبودند، اما سقوط خلافت عباسی و احتیاج جامعه به حکومت و حاکم، اندیشمندان متصوفه را واداشت تا در دوران پسا سقوط خلافت عباسی اندیشه‌ای کنند و چاره‌ای بیندیشند. به این علت آنها با توجه جدی به اندیشه «ولایت» که از چند قرن قبل در تصوف مطرح بود، درصدد پاسخ‌گویی به این نیاز جامعه برآمدند و با نزدیک‌تر شدن به آموزه‌های شیعی و با بهره‌مندی از باور به «مهدویت» درصدد ارائه راه کار جدید برآمدند. با بررسی جنبش‌ها و نهضت‌های سیاسی-اجتماعی و مذهبی در قرن هشتم و نهم هجری به خوبی این مسئله روشن می‌شود. شکل‌گیری جریان و نهضت‌هایی چون «سربداران»، «مرعشیان» و «صفویان» در این فاصله زمانی، در همین راستا تحلیل می‌شود.

نتیجه‌گیری

با بررسی صورت گرفته بر دانشمندان اهل سنت باورمند به تولد امام مهدی علیه السلام، نتایج مختلفی به دست آمد که مهم‌ترین آنها این است که از میان دانشمندان مذاهب فقهی چهارگانه اهل سنت، دانشمندان مذاهب شافعی و حنفی بیشتر از دانشمندان دیگر مذاهب اهل سنت به تولد آن حضرت باور دارند. این امر نیز ریشه در عواملی چند از جمله دیدگاه مثبت بنیان‌گذاران این دو مکتب - یعنی امام شافعی و امام ابوحنیفه - به اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام، پذیرش عقل و موقعیت جغرافیایی عراق دارد.

یکی دیگر از نکات برجسته به دست آمده در این تحقیق، پذیرش تولد آن حضرت از سوی بزرگان متصوفه از قرن هفتم به بعد است که این امر نیز معلول عواملی چون پذیرش آموزه «ولایت» از سوی متصوفه، گرایش به عقل و فلسفه، پذیرش مکتب فقهی حنفی و سقوط

خلافت عباسی در بغداد است.
در نتیجه می‌توان گفت عامل مذهب فقهی خاص، گرایش به تصوف و عقل‌مداری از
زمینه‌های اصلی پذیرش تولد آن حضرت در نزد علمای اهل سنت به حساب می‌آید.
پیشنهاد می‌شود در تحقیقات آتی نقش سنیان دوازده امامی در پذیرش تولد حضرت
مهدی عجل الله فرجه بررسی گردد.



منابع

- ابن ابى الحديد، شرح نهج البلاغه، قاهره، دار احياء الكتب العربية، ١٣٧٨ق .
- ابن ابى ثلج، ابوبكر بن محمد، مواليد الائمة، دز الفصول العشرة فى الغيبة للشيخ المفيد، قم، مؤسسة دارالكتاب للطباعة و النشر، الاولى، بى تا.
- ابن بابويه، محمد بن على، من لا يحضره الفقيه، تحشى على اكبر غفارى، قم، بى تا، دوم، ١٤١٣.
- ابن كثير، اسماعيل بن كثير، البداية و النهاية، بيروت، مؤسسة التاريخ العربى، ١٤١٣.
- ابوالحسين الخياط، عبدالرحيم بن محمد، الانتصار و الرد على ابن الراوندى الملاحد، تقديم محمد حجازى، قاهره، مكتبة الثقافة الدينية، بى تا.
- ابوزهره، محمد، ابوحنيفة حياته و عصره - آراؤه و فقهه، قاهره، دارالفكر العربى، ١٩٩٧.
- ابوزهره، محمد، الشافعى حياته و عصره - آراؤه و فقهه، قاهره، دارالفكر العربى، بى تا.
- الترمذى، ابو عبد الله بن الحسن، كتاب ختم الاولياء، بيروت، المطبعة الكاثوليكية، بى تا.
- خاوندشاه، محمد، تاريخ روضة الصفا، تصحيح جمشيد كيان فر، تهران، اساطير، ١٣٨٥.
- الخطيب البغدادى، احمد بن على، تاريخ بغداد، مكتبة العربية ببغداد و مكتبة الخانجى بالقاهرة، ١٣٤٩.
- دوانى، على، دانشمندان عامه و مهدي موعود، تهران، دارالكتب الاسلامية، اول، ١٣٨٤.
- الذهبى، محمد بن احمد بن عثمان، سير اعلام النبلاء، بيروت، مؤسسة الرسالة، ١٤١٤.
- الزركلى، خير الدين، الاعلام، بيروت، دارالعلم للملايين، ١٩٨٩.
- زمانى، محمد حسن و آزادى، عليرضا، جرابى كثر مناقب نگارى امام على عليه السلام توسط علمائى شافعى، پژوهشنامه ثقلين (٢)، ١٣٩٤.
- السبكي، عبد الوهاب بن على، طبقات الشافعية الكبرى، تحقيق محمود محمد الطناحى و عبدالفتاح محمد الحلو، قاهره، دار احياء الكتب العربية، بى تا.
- سزكين، فؤاد، تاريخ نگارش هاى عربى، ترجمه و تدوين مؤسسه نشر فهرستگان به اهتمام خانه كتاب، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامى، سازمان چاپ و انتشارات، ١٣٨٥.
- الشافعى، محمد، ديوان الامام الشافعى، جمعه و حقه و شرحه اميل بديع يعقوب، بيروت، دارالكتب العربى، ١٤٢٨.
- شافعى، محمد بن طلحه، مطالب السؤل فى مناقب آل الرسول، تحقيق ماجد بن احمد العطية، بيروت، مؤسسة ام القرى للتحقيق و النشر، ١٤٢٥.

- الشبلنجی، مؤمن، نور الابصار فی مناقب آل بیت النبی المختار، مصر، بی نا، بی تا.
- صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر علیه السلام، تهران، مكتبة الصدر، الثانية، بی تا.
- عباد، عبدالمحسن، مهدی موعود از دیدگاه اهل سنت، ترجمه سیدهادی خسروشاهی، در مصلح جهانی و مهدی موعود از دیدگاه اهل سنت، سیدهادی خسروشاهی، تهران، اطلاعات، سوم، ۱۳۸۲.
- قونوی، صدرالدین، کتاب الفکوک یا کلید اسرار فصوص الحکم، مقدمه و تصحیح و ترجمه محمد خواجهی، تهران، مولی، اول، ۱۴۱۳.
- کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، قم، دارالحديث، اول، ۱۴۲۹.
- مفید، محمد بن نعمان، کتاب الامالی، تحقیق استاد حسین ولی و علی اکبر الغفاری، قم، منشورات جامعة المدرسين فی الحوزة العلمية، ۱۴۲۰.
- هجویری، کشف المحجوب، ترجمه محمود احمد و ماضی ابوالعزائم، قاهره، مكتبة الثقافة الدينية، ۱۴۲۸.

